



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران  
شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۵ - ۲۹ شوال ۱۴۴۷  
سال بیست و هفتم - شماره ۷۵۷۶ - ۱۶ صفحه  
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرمقاله

### موسم گذار از تأییدطلبی در سیاست خارجی



محمدجواد اهلوان  
مدیر مسئول

نیاز به تأیید دیگران در رفتار آدمی معمول است، اما آن گاه که این نیاز از حد تعادل فراتر رود و به الگویی بیمارگونه بدل شود، فرد را در چنبره‌ای از ناتوانی در تصمیم‌گیری، ترس از قضاوت و چشم‌پوشی از حقوق خویش گرفتار می‌کند. این عارضه که از آن با عنوان «تأییدطلبی» یاد می‌شود،

ریشه در نوعی احساس ضعف در ارزشمندی درونی دارد و فرد را وامی‌دارد که همواره خواسته‌ها و باورهای خود را قربانی حفظ آرامش و کسب پذیرش از جانب دیگران کند. چنین فردی از «نه» گفتن پسه زیاده‌طلبی دیگران عاجز است، از تعارض می‌گریزد و هویت خود را در آینه نگاه و داوری اطرافیان جست‌وجو می‌کند. یوه‌جای «پذیرش خوششتم» به «برده نظر دیگران» تبدیل می‌شود و این وابستگی مزمن، او را از هرگونه جسارت در بیان موضع مستقل یا ایستادگی بر سر حقوق طبیعی‌اش باز می‌دارد. نکته تأمل برانگیز آن است که این عارضه روانی فقط در مقیاس فردی محدود نمی‌ماند، بلکه می‌توان آن را در ساحت روابط بین‌الملل و در رفتار بازیگران سیاسی نیز ردیابی کرد. در این سطح، تأییدطلبی به‌صورت موضع‌گیری ملی و بین‌المللی منوط و منتهی به نظر قدرت‌های جهانی و کشورهای زورمدار بروز می‌یابد. دولت‌ها و نه‌نگیانی که با نوعی احساس حقارت استراتژیک یا وا همه از نارضایتی قدرت‌های بزرگ دست‌به‌گر بیان‌اند، چارچوب‌هایی را که آن قدرت‌ها برای سلطه هرچه بیشتر بر جهان تحت عنوان «نظم بین‌المللی» تعریف کرده‌اند، به‌عنوان هنجارهای جهانی مبنای قرار می‌دهند و هرگونه موضع‌گیری و رفتار مغایر با این هنجارهای تحمیلی را خطا می‌شمارند. این همان منطقی است که در سخن تاریخی و هشدار دهنده امام خمینی (ره) بازتاب یافته است، آنجا که می‌فرماید: «ما از شرّ رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شرّ تربیت‌یافتگان غرب و شرق به این زودی‌ها نجات نخواهیم یافت. اینان بر پادشاهان سلطه ابر قدرت‌ها هستند و سرسپر گامی می‌باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی‌شوند.» این سخن، اشاره به همان نیروهایی دارد که ترس از طرد شدن در نظم جهانی تحت هدایت قدرت‌های مسلط را مبنای خود قرار داده‌اند و به بهای جلب رضایت آنان، چارچوب منافع ملی را بر اساس مطالبات ابر قدرت‌ها تعریف می‌کنند.

مثال بارز و ملموس این احساس ضعف در ماجرای تنگه هرمز متجلی است. تنگه هرمز مشرف بر سواحل جمهوری اسلامی ایران است و طبیعی است که به‌عنوان یک کشور ساحلی، حق نظارت و اعمال حاکمیت بر آب‌های ساحلی خود را داشته باشیم. برای دهه‌ها متمادی، ایران با وجود تسلط بر یکی از استراتژیک‌ترین گذرگاه‌های آبی جهان، که شاه‌گرج حیاتی انرژی بین‌المللی محسوب می‌شود، از اعمال حاکمیت اقتصادی خود بر این تنگه خوداری می‌کرد. این انتخاب منفعلانه ریشه در همان وا همه برخی نه‌نگان و دیپلمات‌ها از نقض هنجارهای تحمیلی بین‌المللی در مورد «عبور ترانزیت» در کنوانسیون حقوق دریاهای ترس از برخورد نظامی قدرت‌های بزرگ داشت. این کمرویی ابرهردی رومی توان صدق‌افشاز «تأییدطلبی» سیاسی» در برابر ساختار قدرت جهانی دانست. با این همه، تحولات اخیر و تغییر موازنه قدرت در منطقه، ایران را به‌سوی عبور از این پارادایم سوق داد و با ورود به فاز اعمال حاکمیت و دریافت عوارض در ازای « ارائه خدمات ایمنی و ناوبری»، پرده این کمرویی تاریخی را پاره کرد.

این چرخ راهبردی نشان می‌دهد که همان‌گونه که فرد گرفتار در دام تأییدطلبی فقط زمانی به آرامش و استقلال می‌رسد که باور به « ارزشمندی درونی» را جایگزین «نظر دیگران» کند، ملت‌ها و دولت‌ها نیز برای تحقق منافع خود باید از وادی «خجالت» و «ترس از اتهام‌افکنی» عبور کنند. ما وارد مرحله مهمی از تغییرات ژئوپلیتیک شده‌ایم و بر آنیم که منافع و قدرت ملی خود را اولویت نخست قرار دهیم. همان‌گونه که قدرت‌های جهانی نیز چنین می‌کنند: ایالات متحده تمامی موازینی را که روزگاری خود تحت عنوان حقوق بین‌الملل از آن حمایت می‌کرد و نهادهای بین‌المللی‌ای را که خود عضو آن بوده است، کنار می‌گذارد و به‌صورت یکجانبه عمل می‌کند. در جهانی که نظم آن عادلانه نیست، معنا ندارد که ما تن به لوازم و الزامات این نظم غیرعادلانه دهیم. بنابراین، به نظر می‌رسد امروز باید در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل خود از «تأییدطلبی» عبور کنیم و اصل را بر تحقق منافع ملی بگذاریم. مبنای پذیرش چنین باشد که با هر کشوری که به منافع ملی ایران احترام بگذارد، با احترام متقابل رفتار کنیم. به‌جای الحاق به کنوانسیون‌های تأمین‌کننده منافع قدرت‌ها، روابط خارجی ما بر اساس پیمان‌های ضد‌هژمون و نیز پیمان‌های دو جانبه پیش‌رود، اکنون موسم گذار از تأییدطلبی است و باید الگوی عمل مبتنی بر هنجار بومی و اصراوروزی بر حق طبیعی خود شکل بگیرد.

# تنگه قبل از توافق تنگ تر شد دهان دروغگو بازتر!

یک روز مانده به زمان ادعایی امضای یک توافق سه‌صفحه‌ای موقت بین ایران و امریکا، ترامپ جنگ را باخته و توافق را نیز می‌خواهد با پریشان‌گویی ببرد! شلوغ‌کاری‌های او نشان می‌دهد چیزی از مجموع جنگ و توافق به دست نیآورده است. ایران پس از اعلام باز شدن تنگه تا پایان توافق آتش‌بس، مسیر تنگه را فقط به شمال و جنوب جزیره لارک محدود کرد که این یعنی سیادت همیشگی بر تنگه ولی ترامپ این وضعیت را با چند پیام در فضای مجازی برای خودش جشن گرفت!



با منتفی شدن با هیچ‌گاه به امضا نرسیدند. تا زمانی که سند رسمی با جزئیات روشن (رفع تحریم‌ها، تعهدات هسته‌ای، وضعیت تنگه) منتشر نشود، این نیز بخشی از نمایش رسانه‌ای برای ترمیم چهره‌ی شکست‌خورده‌ی امریکا و ترامپ است.

**تغییر پارادایم تاریخی**  
اما در فراسوی هجویات هیجانی و روانی ترامپ، نشریه امریکایی فارین افرز نوشت «جنگ ایران و امریکا، میخ آخر بر تابوت قرن امریکایی بود و جهان را به سستی سوق داده که دیگر واشینگتن قطب‌نمای اصلی آن نیست. پس از این جنگ کشورهای بزرگ جهان دیگر از دستورات واشینگتن پیروی نمی‌کنند. ناتوانی ترامپ در جلب حمایت کشورهای فرسوده شده است. جنگ ایران صرفاً یک درگیری منطقه‌ای نبود، بلکه لحظه‌ی تغییر پارادایم در تاریخ جهان است.»

**هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است**  
در هر حال آنچه در روزهای اخیر دیده می‌شود، نه پایان بحران، نه پیروزی امریکا و نه تن دادن ایران به یک توافق ضعیف است؛ صرفاً یک آتش‌بس موقت در لبنان، همراه با بازگشایی مشروط و موقت تنگه‌هرمز به روی کشتی‌های تجاری با حفظ کامل کنترل ایران و در سوی دیگر، طوفانی از تراوشات ذهنی بر سبستان از سوی رئیس‌جمهوری است که در میدان واقعی بازنده است و می‌خواهد در رسانه برنده به نظر برسد. جهان و امریکا حقیقت جنگ و توافق با ایران را به فضای مجازی برده‌اند تا با وارونگی تمام یک روایت پیروزی برای خود دست‌وپا کنند. این نهایت توان امریکا در دوران جدیدی است که تاریخ جهان درحال تغییر است.

از اجرانشدن آتش‌بس در لبنان، ایران توافق تردد کشتی‌ها در تنگه را به حالت تعلیق در آورد. و در توافق باز شدن تنگه سه شرط باید لحاظ شود: کشتی‌ها باید تجاری باشند و مرتبط با دولت‌های متخاصم نباشند، کشتی‌ها باید از مسیر تعیینی ایران بگذرند و کشتی‌ها باید با نیروهای ایرانی هماهنگ شوند، همان‌گونه که مستحکم پیش از آغاز جنگ مدیریت سپاه پاسداران بر تنگه هر مز را تأیید کرده بود. این موضوع به اجرای برخی شروط و شرط آتش‌بس در لبنان بستگی داشت و اگر موضوع محاصره دریایی ادامه یابد، به عنوان نقض آتش‌بس تلقی شده و مسیر عبوری تنگه هر مز بسته خواهد شد.

مقام آگاه دیگری نیز به رسانه‌ها دو نکته دیگر اضافه کرد «باز شدن چندروزه‌ی تنگه شرایط خاصی دارد. ورود به تنگه از شمال جزیره لارک و خروج از جنوب لارک خواهد بود و به این ترتیب تنگه‌هرمز کاملاً به آب‌های سرزمینی ایران منتقل می‌شود. این یک تغییر تاریخی، عراقی نوشت: «مان رفت و بر گشت نفتکش‌ها حدود ۲۵ روز تا آسیا و ۲۵ روز بر گشت است، یعنی حدود دو ماه ادامه کاهش تولید حدود ۶۰۰ میلیون بشکه و در نتیجه همچنان به سمت پایین‌ترین سطح ذخایر در تاریخ می‌رویم. آژانس بین‌المللی انرژی در پروژ گفته که حدود دو سال طول می‌کشد تا تولید کاملاً به حالت عادی بر گردد. تأسیسات آسیب دیده ۸۰ عدد است که یک‌سوم آنها شدیداً آسیب‌شده هستند و تعمیرشان فصل‌ها یا حتی سال‌ها زمان می‌برد.»

**توافق سه‌صفحه‌ای؟ هنوز معلوم نیست**  
گزارش آکسیوس از برنامه مذاکره یک‌شنبه در اسلام‌آباد و امضای «تفاهنامه سه صفحه‌ای» نیز در حالی منتشر شده که نه ایران آن را تأیید کرده و نه متن یا محتوای آن منتشر شده است. تجربه نشان داده است که ترامپ پیش از این نیز از «توافق‌های بزرگ» سخن گفته که

را با کمک امریکا جمع کرده است! دروغی به این شادخانی! ایران اصلاً مین کار نکرده بود که جمع کند و جمع کردن مین هم کار یک دقیقه نیست که با آن توییت بزنی، چند ماه زمان می‌برد. امریکا هم که چندصد کیلومتر از آب‌های ایران فاصله گرفته ولی ترامپ می‌گوید ایران و امریکا با هم دارند مین‌ها را جمع می‌کنند! یعنی او یک گروه احقر را در امریکا و سراسر جهان مخاطب خود می‌داند و با آنها بازی مجازی می‌کند. ترامپ حتی نوشت که «تنگه باز شده ولی محاصره ادامه دارد» که این هم خلاف ادعای منابع کشتیرانی (از جمله تانکر ترکز) است که گزارش داده‌اند «در اجرای سه‌روزه از محاصره بسیاری از نفتکش‌های تجری می‌ایران به راحتی از منطقه خارج می‌شوند.»

فرا تر از این ادعاها اولاً صدها کشتی متوقف‌شده در دو سوی تنگه نمی‌توانند در این فرصت کوتاه بن‌پروژه خارج یا داخل شوند. ثانیاً لارک ناتال، یکی از تأثیرگذارترین تحلیل‌گران حوزه انرژی پس از توییت عراقی نوشت: «مان رفت و بر گشت نفتکش‌ها حدود ۲۵ روز تا آسیا و ۲۵ روز بر گشت است، یعنی حدود دو ماه ادامه کاهش تولید حدود ۶۰۰ میلیون بشکه و در نتیجه همچنان به سمت پایین‌ترین سطح ذخایر در تاریخ می‌رویم. آژانس بین‌المللی انرژی در پروژ گفته که حدود دو سال طول می‌کشد تا تولید کاملاً به حالت عادی بر گردد. تأسیسات آسیب دیده ۸۰ عدد است که یک‌سوم آنها شدیداً آسیب‌شده هستند و تعمیرشان فصل‌ها یا حتی سال‌ها زمان می‌برد.»

**تغییر مسیر تاریخی در تنگه**  
در ایران، اما یک منبع نزدیک به شمام درباره بازگشایی موقت تنگه هر مز گفت که «از ابتدای طرح آتش‌بس با واسطه‌ی پاکستان قرار بود ایران اجازه‌ی تردد روزانه تعدادی کشتی را صادر کند. اما پس

شدیم و غصه خوردیم، ولی رفتن تو آتشیمنون زین این رو می‌شد دیروز تو نگاه تک تک بچه‌های روزنامه دید. اسم بردن ندره از حسن آقافرادی گرفته تا اسید وحید موسوی و سردمی و سجادی فر و یحیی پور و جواد عسکر و یونس و خلاصه تمام بچه‌های امروز و دیروز روزنامه همه به جورایی مات مونده بودن و منتظر به تلگر که ببارن، نمیدونم شاید آقای اخوان هم خیلی خودش رو تگه داشت. دلمون برای خنده‌های تنگ می‌شده رفیق، دلمون تنگ شوخی هاته، دل همه‌مون تنگه؛ یکی بیشتر، یکی کمتر شاید من بیشتر، شاید یکی دیگه بیشتر بیشتر، ولی تموم اینها چیزی رو عوض نمی‌کنه. خداحافظ رفیق خندون و خوش اخلاق، خداحافظ آخر معرفت.

خداحافظ حاج محمود رجبی ثانی...

دلمون برات تنگ میشه، یکی بیشتر، یکی کمتر، شاید من بیشتر، شاید یکی دیگه بیشتر بیشتر. حاج محمود دلم برای خنده‌های تنگ میشه، دلم برای ایستادن باهات پای دیگ نذری روزنامه تنگ میشه، دلم تنگ میشه برای نماز جماعت‌ها، دلم تنگ میشه برای فوتبالی‌هایی که می‌رفتم به دوچین گل می‌خوردیم و با خنده برمی‌گشتم. دلم تنگ میشه برای اون اتاق همیشه بهم ریخته که باعث آرامش همه بود.

حاج محمود باورش پنجه شنبه عصر وقتی که به به دوست مشترک گفتم باورش نشد حتی وقتی چشمای پر اشک منو دید بازم فکر می‌کرد شوخیه، ولی کاش بود. دیروز که سجاد کشانی بالای سر تو روضه خوند، راستی راستی باورمون شد که دیگه باید دالتنگ خنده‌ها بشیم، عمو اکبر حیدرزاده که رفت خیلی ناراحت



### دلمان برای خنده‌های تنگ می‌شود رفیق!

فریدون حسن